

مارکوس اورلیوس

تأملات

ترجمہ

مہدی باقی و شیرین مختاریان



نشر فی

مارکوس اورلیوس، امپراتور روم، ۱۲۱ - ۱۸۰ م.
Marcus Aurelius, Emperor Of Rome

تأملات / مارکوس اورلیوس؛ ترجمه مهدی باقی و شیرین مختاریان. -
تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۱۵۹ ص.

ISBN 964-312-793-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. اخلاق - متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م. ۲. راه و رسم زندگی - متون قدیمی تا
۱۸۰۰. الف. باقی، مهدی، ۱۳۳۸ - مترجم. ب. مختاریان، شیرین، ۱۳۴۰ -
مترجم. ج. عنوان.
ب ۲ / ب ۵۸۲
۱۳۸۴
۱۸۸

۸۴-۱۱۹۸۱ م

کتابخانه ملی ایران



نشرنی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷
تلفن: ۵۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸. صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵
www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲
تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۶۴۹۸۲۹۴
کتابفروشی: خیابان کریم خان، نیش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹
تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

Marcus Aurelius

مارکوس اورلیوس

Meditations

تأملات

ترجمه مهدی باقی و شیرین مختاریان

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۱۰۰ نسخه • لیستگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-793-1

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۹۳-۱

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷		مقدمه مترجمان
۱۱		پیش‌گفتار
۱۳		کتاب نخست
۲۳		کتاب دوم
۳۱		کتاب سوم
۴۱		کتاب چهارم
۵۵		کتاب پنجم
۶۹		کتاب ششم
۸۳		کتاب هفتم
۹۷		کتاب هشتم
۱۱۱		کتاب نهم
۱۲۳		کتاب دهم
۱۳۷		کتاب یازدهم
۱۵۱		کتاب دوازدهم

مقدمه مترجمان

مارکوس ایلیوس اورلیوس انتونینوس (Marcus Aelius Aurelius Antoninus) (۱۸۰ - ۱۲۱ م). فیلسوف رواقی و امپراطور روم در ۲۰ آوریل ۱۲۱ میلادی در رُم دیده به جهان گشود. نام اصلی وی مارکوس آئلیوس وِروس (Marcus Annius Verus) و برادرزاده انتونینوس پایوس (Antoninus Pius) امپراطور روم بود. پس از آنکه انتونینوس پایوس به قدرت رسید، مارکوس را به برادرزادگی برگزید و دخترش را به همسری به او داد (۱۴۵ م). مارکوس اورلیوس به سال ۱۶۱ م امپراطور روم شد. سپاهیانِش پارتیان را که در ۱۶۶ به سوریه حمله کرده بودند، هزیمت دادند، اما روم به سال ۱۶۷ ناگزیر به نبرد با قبایل ژرمنی در مرز راین-دانوب (Rhine-Danube) شد. مارکوس اورلیوس هنگام نبرد با ژرمن‌ها بارها برای اصلاحات قانونی و اداری به روم بازگشت. وی گرچه به رفاه حال رومیان توجه خاص مبذول می‌داشت و حتی اموال خود را هنگام خشک‌سالی و طاعون در این راه هزینه می‌نمود، اما بیرحمانه به تعقیب و آزار مسیحیان می‌پرداخت و آنان را خطری برای دستگاه امپراطوری می‌انگاشت. وی به سال ۱۷۶ به مرز شمالی بازگشت و امیدوار بود که مرزهای شمال شرقی امپراطوری را تا رود ویسلا (Wistla) (ویستولا) (Vistula) برساند. مارکوس اورلیوس در ۱۷ مارس ۱۸۰ م در ویندوبونا (Vindobona) (وین (Vienna) حالیه) بر اثر ابتلا به طاعون درگذشت و مجال

توسعه آن مرزها را نیافت. کومودوس (Commodus)، پسر و جانشین وی، نیز نقشه پدرش را عملی نساخت.

مارکوس اورلیوس در سیاست داخلی حامی بینوایان بود و از برای ایشان مدارس، یتیم‌خانه‌ها، و بیمارستان‌ها بنا کرد و از مالیات‌ها کاست. نیز کوشید تا قوانین جزایی و رفتار برده‌داران با بردگان را جنبه انسانی بخشد.

وی در عالم فلسفه به تألیف تأملات شهره است که مجموعه‌ای است مختصر حاوی ۱۲ کتاب یا فصل، در اصول اخلاق، که آن را به زبان یونانی نوشته است. این اثر در برگرفته اصول فلسفه رواقی است. مارکوس اورلیوس، در تأملات، بیان می‌دارد که زندگی اخلاقی مایه آرامش می‌شود و نیز از فضایل خیر، داورزی، شکیبایی، و میانه‌روی سخن می‌گوید.

فلسفه رواقی را زنون کیتیومی (Zeno Citium) در قبرس در حوالی ۳۰۰ ق.م. بنیان نهاد. وی که اصول فلسفه خود را از آموزه‌های کراتس تبسی (Crates of Thebes) برگرفته بود، مدرسه خود را در سثوا پوی کیله (Stoa Poikile) (رواق منش) گشود. فلسفه رواقی از دیدگاه زندگی و خویشتکاری آدمی، مقابل فلسفه اپیکوری قرار داشت. فلسفه رواقی متأثر از آراء کلیون (Cynics) بود که بنیان‌گذار فلسفه ایشان آنتیستینس (Antisthenes)، شاگرد سقراط، بود.

از شمار شاگردان زنون، یکی کلی‌انتس اسوسی (Cleanthes of Assos) در ترواد (Troad) بود. سرود زئوس که از وی برجا مانده، درباره یگانگی، قدرت مطلق، و حکومت اخلاقی این ایزد ایزدان است. کریسیپوس سولیایی (Chrysippus of Soli) در سیلیسیا (Cilicia) شاگرد دیگر کلی‌انتس بود. این سه تن نمایندگان فلسفه رواقی در دوره اول (۲۰۰ - ۳۰۰ ق.م) هستند.

در دوره دوم، فلسفه رواقی انتشار یافت و رومیان با آن آشنا شدند. جانشینان کریسیپوس، زنون طرسوسی (Zeno of Tarsus) و دیوژن بابلی (Diogenes of Babylonia) بودند و سپس انتی پاتر طرسوسی (Antipater) جانشین ایشان گشت که استاد پانیئوس رودسی (Panaetius of Rhodes) بود. همو بود که رومیان را با فلسفه رواقی آشنا کرد. از شاگردان وی پوسیدونیوس اپامیایی (Posidonius of

(Apomea)، استاد خطیب نامی روم، مارکوس تولیوس سیسرو (Marcus Tullius Cicero) بود.

دوره سوم فلسفه رواقی، دوره سیر آن در روم بود. از زمره نامی ترین فلاسفه رواقی این دوره کاتوی کپتر (Cato the Younger) و سه فیلسوف رواقی لوسیوس انایوس سنکا (Lucius Annaeus Seneca)، اپیکتتوس (Epictetus)، و امپراطور مارکوس اورلیوس اند که از این سه آثاری برجا مانده است.

در دوره پیش از مسیحیت، فلسفه رواقی مطرح ترین فلسفه در امپراطوری روم بود. رواقیون نیز چون اپیکوریان، اخلاق را مهم ترین دانش ها می انگاشتند، اگرچه برای اثبات اصول اخلاقی خویش، نظریاتی در منطق و علوم طبیعی ارائه کردند. مهم ترین نوآوری آنان در منطق قیاس فرضی (hypothetical syllogism) است. آنها بر این باور بودند که واقعیت، همه مادی است، اما ماده را که منفعل است باید از اصل فعال یا لوگوس (Logos) بازشناخت. رواقیون لوگوس را خرد ایزدی و نوعی وجود مادی برتر می پنداشتند، چنان که هراکلیتوس (Heraclitus)، فیلسوف یونانی، اصل گیتی را دم آتش می انگاشت که بر همه جا محاط است. به باور او روح آدمی، تجلی لوگوس است.

به زعم رواقیون زندگی مبتنی بر خرد، زندگی سازگار با نظم ایزدی گیتی است. اهمیت این دید را می توان در نقش فلسفه رواقی در طرح نظریه قانون طبیعی دید که قوانین روم سخت متأثر از آن است.

بنیاد اخلاق رواقی بر اصلی است که کلیون نیز پیش تر بیان داشته بودند و آن این است که نیکی نه در ظواهر و نموده های بیرونی که در حالت و وضعیت روح، خرد، و خویشتن داری در برابر آرزوها و خواهش هاست که زندگی عادی را بر می آشوبند. چهار فضیلت اصلی فلسفه رواقی خرد، دلیری، دادورزی، و میانه روی است. این تقسیم بندی برگرفته از آموزه های افلاطون است.

ویژگی بارز فلسفه رواقی آن است که همه مردمان جلوه های یک روح همگانی هستند و باید در زندگی یکدیگر را چون برادران دوست بدانند و همواره یاریگر هم باشند. تفاوت های ظاهری چون رتبه و ثروت در روابط اجتماعی بی اهمیت اند. این چنین است که رواقیون، پیش از برآمدن مسیحیت، برادری انسان ها و برابری طبیعی

همهٔ مردمان را بازشناختند و از آن پشتیبانی کردند.

ترجمهٔ تأملات از روی برگردان جورج لانگ (George Long) (۱۸۷۹ - ۱۸۰۰) صورت گرفته است که نخستین بار در ۱۸۶۲ در لندن توسط انتشارات بل (Bell) با عنوان اندیشه‌های امپراطور م. اورلیوس انتونینوس (*The Thoughts of the Emperor M. Aurelius*) منتشر شده است و به وفاداری به اصل متن یونانی شهره است. کتاب فلسفهٔ رواقی (*Le stoicism*) ژان برن (Jean Brun) را نیز ابوالقاسم پورحسینی به فارسی ترجمه کرده است که به سال ۱۳۵۶ و ۱۳۶۲ از سوی کتاب سیمرخ وابسته به مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.

مهدی باقی و شیرین مختاریان

آبان ۱۳۸۲ - نوامبر ۲۰۰۳

پیش‌گفتار

این پیش‌گفتار، مقدمه مکسول ستنیفورد (Maxwell Staniford) بر ترجمه او از تأملات است. دو نسل پیش، خواندن تأملات مارکوس اورلیوس بسیار رایج بود. آن روزگار، فهرست کتاب‌های هر ناشر، شماری از چاپ‌های کوچک و زیبای آثار کلاسیک را در برداشت، و کمتر ناشری بود که ترجمه‌ای از تأملات را جزء کتاب‌هایش نداشته باشد. اکنون زمانه دیگر گشته، از این روست که بسیاری، عنوان این کتاب را می‌شناسند، اما با مندرجات آن کمتر آشنا هستند. هنگامی که این کتاب را در دست می‌گیرید، از خود می‌پرسید این کتاب در چه موردی است؟ چه مطالبی در آن آمده است؟ پس بگذارید بگویم که انتظار مضمونی پیوسته را نداشته باشید. این کتاب یادداشت‌های شخصی مارکوس اورلیوس است که هرگاه موضوعی توجهش را جلب می‌کرد، در مورد آن مطالبی می‌نوشت. زمانی درباره رویدادی یا برخوردی که اخیراً روی داده است می‌نویسد، و زمانی درباره اسرار مرگ و زندگی آدمی می‌اندیشد؛ دیگر زمان اندرزی برای بهبود روزگار خویش را به یاد می‌آورد و زمانی از کتابی که آن روز می‌خوانده است مطلبی نقل می‌کند که توجه او را به خود معطوف داشته است. گوناگونی موضوعات چنان است که خواننده می‌تواند هر زمان که خواست کتاب را بر زمین نهد و دیگر زمان، بسته به خلق

خویش، صفحاتی از آن را بخواند. خواننده امروزی باید توجه کند که در روزگار باستان اخلاقیات و رابطه انسان و ایزدان و زندگی نیک و توأم با فضیلت، در حوزه فلسفه بوده است. دین رومیان در دوره پیش از مسیحیت با مسائل اخلاقی مربوط نبود، بلکه خویشکاری دین تنها برگزاری درست آیین‌ها برای جلب پشتیبانی ایزدان از حکومت بود و مقامات دولتی به برگزاری این مراسم می‌پرداختند و به تردیدها و مشکلات معنوی مردمان اهمیتی نمی‌دادند.

در آن روزگار، فلسفه‌های مختلفی رایج بود که راه‌حل‌های گوناگونی برای چنین مسائلی پیشنهاد می‌کرد. اما همه این فلسفه‌های مختلف، در این مورد متفق بودند که حوزه‌های ماوراءالطبیعه، ایزدشناسی، و اخلاق در حیطه فلسفه قرار دارند. یکی از این فلسفه‌ها فلسفه رواقی بود که به قول لکی (Lecky) در تاریخ اخلاق در اروپا (*History of European Morals*)، جلد ۱، صفحه ۲۲۵، فلسفه رواقی دین طبقه فرهیختگان و دانش‌آموختگان بود و به بیان اصول فضیلت می‌پرداخت.

خواننده هنگام مطالعه تأملات باید توجه نماید که فلسفه در نظر مارکوس اورلیوس به معنای کنونی دین و قانون زندگی بوده است، نه در پی حقیقت‌های انتزاعی رفتن.